

تاکید رهبر انقلاب به دانش‌آموزان و دانشجویان:

مرزهای دانش را بشکنید و قله‌های پیشرفت را فتح کنید

پاسدار ایران باشید

۲

مسئولیت امروز، سعی در مجهز شدن به علم و تقوا، امید و اخلاق و دانایی و توانایی و زدودن پرده‌های جهل و تاریکی است

پاسدار هویت ملی و استقلال فرهنگی خود باشید

درمدارس و دانشگاه‌ها جای خالی بعضی از دانشجویان و اساتید و معلمان حس خواهد شد و این اندوه

ذهن ما را به سمت صحیح منازعه بین خیر و شر و جنگ بین حق و باطل راهنمایی خواهد کرد



چرا در جریان سفر رئیس‌جمهور به آمریکا عده‌ای خواهان مذاکره او با ترامپ شده‌اند؟

سوابق سیاه واشنگتن وتوهم تسلیم‌طلبان

۲

ادعاهای مضحک و تهدیدآمیز ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل

هذیان‌های پیرمرد شکست خورده

۲

اجاره‌بها در تله ۲۵ درصد

قانونی برای اختلافی تازه میان موجرو مستاجر

وقتی یک عدد قرار است جای مذاکره را بگیرد

۷

گفت‌وگوی «آگاه» با مزدا مرادعباسی مدرس و پژوهشگر سینما

سینماگران ماندگار وهمزیستی با کتاب

۵

روایتی از پاییزی پایان در کلاس‌های خالی میناب

بچه‌های شهید مدرسه شجره طیبه، حاضر!

۴



کسب رتبه‌های اول و دوم بخش بهترین مقاله

درخشش «مهر» در جوایز اوآنا

به کسب رتبه نخست و مقاله آزاده فضلی «جنگ روایت‌ها در میدان، گزارشگری از قلب میدان / چگونه روایتگری درست، مردم را در صحنه نگه داشت؟» نیز رتبه دوم این رقابت را به خود اختصاص داد. جوایز اوآنا در سال ۲۰۲۶ در سه بخش «بهترین عکس»، «بهترین گزارش تصویری» و «بهترین مقاله» و با محوریت دو موضوع «خبرنگاران در حال کار از دریچه نگاه اوآنا» و «بازتاب سنت‌ها و فرهنگ ملی در رسانه‌های مدرن» برگزار شد. در چارچوب این رقابت، هر خبرگزاری عضو اوآنا می‌توانست در هر بخش حداکثر سه اثر ارسال کند. گروه رسانه‌ای «مهر» نیز سه اثر را در بخش «بهترین مقاله» به این رقابت ارائه کرد که در نهایت دو اثر از سه

گروه رسانه‌ای مهر با کسب رتبه‌های اول و دوم در بخش بهترین مقاله جوایز اتحادیه خبرگزاری‌های آسیا و اقیانوسیه (اوآنا)، موفق به ثبت یکی از دستاوردهای قابل توجه ایران در این رقابت بین‌المللی شد. در جریان برگزاری همایش شصت و پنجمین سالگرد اتحادیه خبرگزاری‌های آسیا و اقیانوسیه در مسکو، نتایج جوایز اوآنا ۲۰۲۶ اعلام شد و دو اثر اسالی گروه رسانه‌ای «مهر» در بخش بهترین مقاله» به ترتیب رتبه‌های اول و دوم این رقابت را به دست آوردند. در این بخش، مقاله «هنر ایرانی، مثلث زیبایی، خلاقیت و فرهنگ» موفق



علم، تقوا و میدان؛ سه‌گانه اقتدار ایران در جهان متلاطم



هادی رضائی دبیر گروه سیاسی

آغاز سال تحصیلی همیشه روزهای امید و پویایی است، اما پیام اخیر رهبر انقلاب به مناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها، این گام اول را از یک رویداد تقویمی ساده به یک «نقشه راه استراتژیک» برای آینده کشور ارتقا داد. در کلام ایشان، کلاس درس دیگر صرفاً محلی برای انباشت داده و حفظ فرمول‌ها نیست، بلکه نقطه عزیمت یک الگوی نوین از قدرت ملی است؛ قدرتی که بنیاد آن بر «دانش توأم با تقوا» استوار شده و کارکردش، ایستادگی در برابر توحش مدرن نظام سلطه است.

برای درک عمق این پیام، باید مختصات امروز جهان را به درستی تحلیل کرد. ما در عصری زیست می‌کنیم که ساختارهای حقوقی و بین‌المللی زیر چکمه‌های بی‌قانونی قدرت‌های زورگو له شده‌اند. آنچه امروز از سوی دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی در سطح منطقه و جهان به نمایش درآمده، چیزی جز یک «توحش سازمان یافته و مجهز به فناوری» نیست. در چنین دنیایی که جنایت با آخرین ابزارهای مدرن تزیین می‌شود، سخن گفتن از اخلاق بدون قدرت، سادگی سیاسی است و کسب قدرت بدون اخلاق، فرورفتن در همان منجلاب توحش است. نقطه عطف پیام رهبر انقلاب درست در همین جاست؛ پیوند زدن «علم» به «تقوا». این سه‌گانه دانش، اخلاق و قدرت، پاسخ بنیادین ایران اسلامی به معادله جهان امروز است. دانش، شمشیر برانی است که بن‌بست‌های فنی و نظامی را می‌شکند و تقوا، سپر پولادینی است که مانع انحراف این قدرت به سمت ظلم و تجاوز می‌شود.

ترکیب این دو، همان «اقتدار بازدارنده‌ای» را می‌سازد که دست متجاوزان را از سر ملت‌های آزاد کوتاه می‌کند. نگاهی به دستاوردهای موشکی، پهپادی و هسته‌ای کشور نشان می‌دهد که چگونه دانش متکی بر ایمان جوانان همین مرز و بوم، تمام معادلات جبهه استخبارات را برهم زده است. اما این قدرت متراکم از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ پاسخ در بخش دوم پیام نهفته است؛ «پیوستگی نسل‌ها در سنگر علم و جهاد». رهبر انقلاب به زیبایی خط ارتباطی میان نیمکت‌های کلاس درس و خطوط مقدم دفاع از وطن را ترسیم می‌کند.

دانشجویان و دانش‌آموزان امروز، روی همان صندلی‌هایی نشسته‌اند که چندی پیش، شهدای دفاع مقدس، شهدای هسته‌ای و مدافعان حرم و امنیت و البته شهدای جنگ‌های اخیر بر آن می‌نشستند. این پیوستگی تاریخی و الگوسازی از قهرمانان واقعی، سرمایه رمزی ایران است که در هیچ دانشکده جنگی در غرب تدریس نمی‌شود. فرزندان امروز ایران باید بدانند که حضورشان در کلاس‌های درس، جبهه‌ای کمتر از میدان‌های نظامی ندارد. اگر دیروز مدافعان حرم و وطن در برابر تکفیر و تجاوز ایستادند، امروز دانشجو و دانش‌آموز ایرانی با تکیه بر قلم، تعهد و ایمان، در حال ساختن همان بن‌سازه‌هایی هستند که عزت فردا را تضمین می‌کند.

باید باور کنیم که عبور از پیچ‌های تند تاریخ و دستیابی به قله‌های فتح، تنها از مسیر این «مدرسه‌های انسان‌ساز» و «دانشگاه‌های مجاهد‌پرور» می‌گذرد. نسل جدید، نه تنها وارثان عظمت گذشته‌اند، بلکه معماران اقتدار آینده‌ای هستند که در آن، علم توأم با تقوا، دست هر متجاوزی را از این خاک و از سر بشریت کوتاه خواهد کرد.

اثر اسالی این مجموعه موفق به کسب رتبه‌های اول و دوم شدند. کسب دو جایگاه نخست بخش مقاله در رقابتی میان خبرگزاری‌های عضو یکی از مهم‌ترین شبکه‌های همکاری خبری در آسیا و اقیانوسیه، توسط گروه رسانه‌ای «مهر» ظرفیت تولید محتوای حرفه‌ای و رقابت‌پذیر رسانه‌های ایرانی را در یک عرصه بین‌المللی به نمایش می‌گذارد. این دو عنوان، فرصتی برای حضور بیشتر آثار رسانه‌ای ایران در فضای رسانه‌ای اوآنا نیز فراهم می‌کند. آثاری که از طریق بسترهای این اتحادیه می‌توانند در معرض دید رسانه‌ها و مخاطبان کشورهای عضو قرار گیرند و تصویری از بخشی از تولیدات رسانه‌ای ایران را به این شبکه خبری منطقه‌ای معرفی کنند.

جوایز اوآنا در چارچوب فعالیت‌های این اتحادیه برای تعامل و همکاری میان خبرگزاری‌های عضو و معرفی تولیدات رسانه‌ای آنها برگزار می‌شود و هر دوره، آثاری از رسانه‌های کشورهای عضو را در معرض ارزیابی و انتخاب قرار می‌دهد.

این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرد، این موضوع به معنای ایجاد یک وزارتخانه جدید نیست؛ بلکه به معنای ایجاد یک فرماندهی و هماهنگی موثر در سیاست‌های اقتصادی دولت است؛ ساختاری که بتواند میان وزارت اقتصاد، بانک مرکزی، وزارت نفت، وزارت صمت، وزارت تعاون و سایر دستگاه‌های اقتصادی ارتباط و انسجام ایجاد کند. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت، واقعیت این است که از مجموع ۲۱ وزارتخانه دولت، بخش قابل توجهی از وزارتخانه‌ها عمدتاً دستگاه‌های هزینه‌ای هستند، یعنی مأموریت اصلی آنها ارائه خدمات و هزینه‌کرد منابع عمومی است. در مقابل، وزارت اقتصاد، وزارت نفت و تاحدودی وزارت تعاون، دستگاه‌هایی هستند که ظرفیت بیشتری برای ایجاد درآمد و منابع دارند. وی همچنین ادامه داد، اما نگاه دولت نباید صرفاً این باشد که منابعی را در اختیار دستگاه‌ها قرار دهد تا آنها هزینه کنند. دولت باید از ظرفیت همه دستگاه‌ها برای خلق درآمد، افزایش بهره‌وری، جذب سرمایه و فعال‌سازی دارایی‌های موجود استفاده کند. قادری اظهار کرد: نبود یک تیم اقتصادی منسجم باعث شده است از ظرفیت‌های مهم اقتصادی کشور به اندازه کافی استفاده نشود. در شرایط محدودیت منابع، دولت باید بتواند از ظرفیت نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های توسعه‌ای، صندوق‌ها و بنگاه‌های اقتصادی وابسته به دولت برای سرمایه‌گذاری و توسعه استفاده کند. این نماینده مجلس بیان کرد: همچنین ظرفیت‌هایی مانند مواندسازی دارایی‌های دولت، واگذاری واقعی دارایی‌ها و بنگاه‌ها، نوکنازی کردن دارایی‌ها، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد سازوکارهایی برای حفظ سرمایه‌ها در داخل و جذب سرمایه از خارج هنوز می‌تواند بسیار بیشتر از وضعیت فعلی مورد استفاده قرار گیرد. قادری یادآور شد، در شرایطی که منابع بودجه‌ای و درآمدهای نفتی محدود است، هنر دولت فقط در مدیریت هزینه‌ها نیست؛ یافتن منابع جدید و فعال کردن ظرفیت‌های بلااستفاده اقتصاد است. وی ادامه داد، بخش مهمی از مشکلات امروز اقتصاد، از جمله استعمار رکود تورمی و برآورده نشدن انتظارات اقتصادی مردم، نتیجه همین ناهماهنگی در سیاست‌گذاری و اجراست. البته عوامل متعددی در شکل‌گیری رکود تورمی موثرند، اما بدون یک فرماندهی منسجم اقتصادی، می‌تواند مقابله موثر با این عوامل کاهش پیدا می‌کند. عضو کمیسیون ویژه حمایت از تولید مجلس بیان کرد: اگرگرشیر جمهور شخصاً فرصت و امکان ورود مستمر به همه جزئیات سیاست‌های اقتصادی را نداشته باشد و معاون اول نیز تمام تمرکز خود را بر مسائل اقتصادی قرار ندهد، وجود یک معاون اقتصادی توانمند، صاحب‌اختیار و مسلط به مسائل اقتصادی می‌تواند راهی برای حل این چالش‌ها باشد. قادری تأکید کرد، این معاونت نباید صرفاً یک عنوان تشریفاتی باشد؛ بلکه باید قرارگاه اقتصادی دولت باشد، محلی برای هماهنگی سیاست‌های مالی، پولی، ارزی، تجاری، سرمایه‌گذاری و تولید و جایی که تصمیم‌های دستگاه‌های مختلف پیش از اجرا از منظر آثار اقتصادی آنها با یک‌دیگر هماهنگ شوند. این نماینده مجلس گفت: امروز اقتصاد کشور بیش از آنکه به تصمیم‌های متعدد و پراکنده نیاز داشته باشد، به یک سیاست اقتصادی منسجم، یک تیم اقتصادی هماهنگ و یک فرماندهی مشخص نیاز دارد. اگر دولت بتواند این انسجام را ایجاد کند و همزمان ظرفیت‌های داخلی و خارجی تأمین مالی و سرمایه‌گذاری را فعال سازد، امکان عبور از رکود تورمی و پاسخگویی موثرتر به مطالبات اقتصادی مردم افزایش خواهد یافت. وی در پایان گفت: اقتصاد ایران به منابع جدید نیاز دارد، اما پیش از آن، به مدیریت منسجم نیاز دارد که بتواند منابع موجود و ظرفیت‌های مغفول‌مانده را به حرکت درآورد.

منابع جدید به مسیر رشد بازگرد، بلکه باید از ظرفیت‌های موجود استفاده بیشتری صورت گیرد و بهره‌وری نیروی انسانی، سرمایه، انرژی و منابع مالی افزایش پیدا کند.

از سوی دیگر، تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که تعدد تصمیم‌گیران و نبود هماهنگی میان دستگاه‌های اقتصادی می‌تواند خود به عاملی برای شن شدن روند اصلاحات تبدیل شود. فعال اقتصادی زمانی می‌تواند برای سرمایه‌گذاری و تولید برنامه‌ریزی کند که سیاست‌های ارزی، پولی، مالی، تجاری و صنعتی در یک مسیر مشخص حرکت کنند. بر همین اساس، یکی از مطالبات جدی در شرایط فعلی، ایجاد یک فرماندهی منسجم اقتصادی است؛ فرماندهی‌ای که بتواند میان سیاست‌های مختلف اقتصادی هماهنگی ایجاد کند، اولویت‌های کشور را مشخص کند و از تصمیمات متناقض و روزمره جلوگیری کند.

تغییر ریل اقتصادی البته به معنای کنار گذاشتن همه سیاست‌های گذشته نیست؛ بلکه به معنای بازنگری در روش‌هایی است که نتوانسته‌اند متناسب با شرایط جدید اقتصاد کشور پاسخگو باشند. در این مسیر، کاهش موانع تولید، تسهیل فعالیت بخش خصوصی، اصلاح نظام تأمین مالی، کنترل ناترازی‌ها، افزایش بهره‌وری و استفاده از ظرفیت‌های داخلی می‌تواند در کنار سیاست خارجی و مدیریت آثار تحریم، بخشی از مسیر عبور اقتصاد از شرایط فعلی باشد. از این رو اقتصاد ایران برای عبور از تگانه‌های موجود، بیش از هر چیز به تصمیم‌های منسجم، سیاستگذاری پایدار و اولویت‌بندی صحیح نیاز دارد. در واقع، مسئله فقط میزان فشار تحریم نیست؛ بلکه نحوه مدیریت اقتصاد در شرایط تحریم نیز تعیین‌کننده است. اگر ظرفیت‌های داخلی به درستی فعال شوند و موانع داخلی از مسیر تولید و سرمایه‌گذاری کنار بروند، می‌توان بخشی از آثار فشارهای خارجی را مدیریت کرد.

قادری: دولت در حوزه اقتصادی به یک فرماندهی واحد نیاز دارد

در همین زمینه، جعفر قادری، عضو کمیسیون ویژه حمایت از تولید و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، در گفت‌وگو با «آگاه» گفت: یکی از مشکلات اساسی اقتصاد کشور در شرایط کنونی، نه صرفاً کمبود منابع، بلکه نبود انسجام در سیاستگذاری و مدیریت اقتصادی دولت است. در شرایطی که اقتصاد ایران با محدودیت درآمد‌های نفتی و ارزی، فشارهای مالیاتی، تورم و رکود مواجه است، تصمیم‌های اقتصادی دستگاه‌های مختلف باید در یک چارچوب واحد و هماهنگ اتخاذ شود، در حالی که امروز گاه شاهد تصمیم‌ها و سیاست‌هایی هستیم که با یکدیگر سازگار نیستند. وی افزود، طبیعتاً وزیر امور اقتصادی و دارایی باید محور و رهبر تیم اقتصادی دولت باشد، اما وقتی سیاست‌های بانک مرکزی، وزارتخانه‌های اقتصادی و سایر دستگاه‌های موثر بر اقتصاد در مسیرهای متفاوت حرکت می‌کنند، علائقاریات و قدرت راهبری وزارت اقتصاد کاهش می‌یابد. به همین دلیل، دولت به یک معاونت اقتصادی قدرتمند نیاز دارد که بتواند در کنار وزیر اقتصاد، سیاست‌های اقتصادی دستگاه‌ها را هماهنگ و از ایجاد «سازهای ناگوک» در تیم اقتصادی جلوگیری کند.

نیگزاد، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی:

از تنگه هرمز کوتاه نمی‌آییم



۲

پیام رهبر انقلاب در پی ارتحال آیت‌الله شبیری زنجانی فقیهی محقق، ژرف‌نگر و دقیق

رهبر انقلاب دیروز با صدور پیامی ارتحال حضرت آیت‌الله العظمی شبیری رضوان‌الله تعالی علیه، فقیه عالی‌مقام و از محققین تراز اول شیعه را تسلیت گفتند. متن پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای به این شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

خبر تأسف بار ارتحال استاد معظم، فقیه عالی‌مقام حضرت آیت‌الله العظمی شبیری (رضوان‌الله تعالی علیه) واصل شد. این عالم بزرگوار همه عمر شریف خود به جز چند سال اول طفولیت را در مسیر تعلّم و تعلیم و تحقیق گذراندند و همواره از سوی هم ترازان سنی و دوره‌ای و اساتید به عنوان شخصی محقق و ژرف‌نگر قلمداد می‌شدند. تسلط ایشان بر فنون مختلف مربوط به استنباط احکام شرعی با ظرایف و لحاظ دقایق همراه بود. مجالس درس آن بزرگوار حتی وقتی که عدد حضار آن از چند نفر تجاوز نمی‌کرد، به عنوان مجالس تتبع و تدقیق شناخته می‌شد و بحق چنین بود. بحمدالله در حدود کمی بیش از سه دهه اخیر، عده زیادی این توفیق را یافتند تا از وجود مغتنم ایشان در حد ظرفیت خود بهره ببرند و برای محافل علمی و تدریس خود توشه بردارند. محضر ایشان، محضر افتاده و استفاده بود حتی آن وقتی که قدم‌زنان بعد از درس به سوی بیت شریف می‌فتند، غیر از وجهه مسلم علمی، رفتار متواضعانه و پدانه ایشان با طلاب و فضلا هم امری مشهود و درس‌آموز بود. بی‌شک فقدان این شخصیت ممتاز، خللی در ردیف محققین تراز اول شیعه در عصر حاضر ایجاد نوده است که شاید چیران آن مدت‌ها به طول انجامد. بنده این مصیبت را به سرورمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) و حوزات علمیه و بالخصوص شاگردان و علاقه‌مندان و بالخصوص بیت شریف عالم و فاضل‌پرو را ایشان تسلیت عرض نموده و از محضر حضرت حق جل و علا، علو درجات برای آن بزرگوار مسئلت دارم.

سیدمجتبی حسینی‌خامنه‌ای

۳۱ شهریور/۱۴۰۵

تاکید رهبر انقلاب به دانش‌آموزان و دانشجویان: مرزهای دانش را بشکنید و قله‌های پیشرفت را فتح کنید پاسدار ایران باشید

حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی‌خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت آغاز سال تحصیلی مدارس و دانشگاه‌ها، با اادی احترام به دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان و اساتید شهید در جنگ تحصیلی اخیر، بازشایی مدرسه و دانشگاه را نویدبخش نشاط، امید و حرکت پرشتاب ملت به سوی آینده‌ای روشن دانستند و با توصیه به دانش‌آموزان و دانشجویان برای مجهز شدن به علم و تقوا و دانایی و توانایی، خطاب به آنان تاکید کردند: مدرسه و دانشگاه را خانه دوم خود بدانید و با شنیدن از حریفان آن در دستان توانمند فرزندان عزیز ایران سطح آگاهی و بینش و تعالی رفتارها و منش‌ها، آن را کانون پیشرفتگی وطن خود کنید. مقام رهبری همچنین به مسئولان برای برنامه‌ریزی حکیمانه و تلاش موثر برای بهبود معیشت معلمان و اساتید توصیه موکد کرد. متن پیام ایشان به این شرح است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم - یَرْفَعُ اللَّهُ الدِّینَ آمُونًا یَمْکُنُ وَاللّٰهُ اَوْثُوَالُ الْعِلْمِ زَجَرَات طیّله سال نو تحصیلی و بازگشایی خانه‌های علم و ادب در مدرسه و دانشگاه، نویدبخش نشاط، امید و حرکت پرشتاب ملت به سوی آینده‌ای روشن و شکوه‌مآیند و با شنیدن از حریفان آن در دستان توانمند فرزندان عزیز ایران و تربیت یافتگان مکتب اسلام و انقلاب اسلامی است. همان‌نسلی که بارها هجمینی کبیر و خامنه‌ای عظیم‌الشان شهید (اعلی‌الله مقامه الشریف) امید خود به ایشان را بیان کردند.

ایک که دروازه سال تحصیلی تازه‌ای روی خیل عظیم دانش‌آموزان و دانشجویان گشوده می‌شود و راه‌نوردان علم و حکمت با امید به توفیق الهی دوره‌ای جدید از کسب دانش و معرفت و مهارت را آغاز می‌کنند، شایسته است همه‌نوا با مادران و پدران اغساد، بار دیگر یاد دانش‌آموزان شهید شده در جنگ تحصیلی اخیر را گرمی بدرایم. امسال روزهای خاطره‌ساز را بتدای سال تحصیلی، برای ما غنای فرقا فرزندان سرفکرده‌مان را تازه می‌سازد. در مدارس و دانشگاه‌ها برای خالی بعضی از دانشجویان و اساتید و معلمان حس خواهد شد و این آندوه، ذهن ما را به سمت صحیح منازعه بین خیر و شر و جنگ بین حق و باطل راهنمایی خواهد کرد.

مسئولیت دانش‌آموزان و دانشجویان، سعی در مجهز شدن به علم و تقوا، امید و اخلاق و دانایی و توانایی و زوددن پرده‌های جهل و تاریکی است تا آنگاه که با شکستن مرزهای دانش و فتح قله‌های پیشرفت سازآن، ماموریت تاریخی خود در جهت اعتلای ایران اسلامی را به انجام برسانند. این مهم در جایی صورت می‌گیرد که خانه دوم ایشان به شمار می‌آید. از این‌رو به این عزیزان عرض می‌کنم که لازم است همواره با دشمن‌های آن به بهترین شکل میابت نمایند و با ارتقای هر چه بیشتر سطح آگاهی و بینش و تعالی رفتارها و منش‌هایتان، آن را کانون پیشرفتگی وطن خود بنمایید. از فرصت حضور چند ساله در این مامن دانش و ادب و نشاط و امید برای خود افزایی هر چه بیشتر بهره بگیرید، خودافزایی در مهم‌ترین عنصر حیات انسان که ارتباط با خالق متعال است و خودافزایی در ارتباط با همه‌نوعان و هموطنان و خانواده و خودافزایی در زمینه کسب دانش و به‌دست آوردن انواع مهارت‌ها.

در این مدت، درست فکر کردن و ابتکار ورزیدن و تمرین کنید و همواره با اسدار ریشه‌های هویت ملی و عزت و استقلال فرهنگی خود و زبان مادری و پرچم مقدس نظام اسلامی و سایر نمادهای باایبش، به‌زودی نوبت آن می‌رسد که مناسب خود را در جامعه بیابید که در آن موقع با انجام آن به بهترین شکل، خود و کشور خود را سربلند خواهید ساخت.

اکنون در روزگاری که توحش نظام سلطه خصوصا دولت جنایتکار آمریکا و نظام جعلی هیئت‌پیداد می‌کنند، قدرت برآمده از دانش همراه با تقوا و اخلاق، چونان سپری پولادین و شمشیری بران است که دستان متجاوز آنان را از سر بشریت کوتاه می‌سازد، اکنون شما در کلاس‌های درسی حاضر می‌شوید که نسل‌هایی که اندکی پیش از شما روی نیمکت‌های دوست‌داشتنی آن نشسته بودند ایک در انواع جبهه‌های دفاع از وطن و شرف برای ایران اسلامی، عزت و اقتدار خلق می‌کنند و همان‌ها اسوه و چراغ راه شما خواهند بود، همچنان که پیش از آنان کسانی در همین کلاس‌ها بودند که اسوه‌های فداکاری و نشان‌های عظمت کشور و اسطوره‌های بزرگی و بزرگواری به شمار می‌روند. کلام آخر در مورد معلمان و اساتید است. ما همه و امدار معلمان خود در هر مقطعی از دوره تحصیلی هستیم. این قشر عزیز و محبوب که اغلب با خالص‌ترین عواطف شاگردان‌شان مواجه می‌شوند، شایسته آن هستند که در مجامع و زمان‌های مختلف مورد تکریم همگان باشند. مناعت و قعاعتی که نوا در ایشان مشاهده می‌شود، مسئولین امر را نسبت به وضع فعلی معیشت ایشان قانع نمی‌سازد و ان‌شاءالله با برنامه‌ریزی حکیمانه، برای بهبود آن تلاش موثری به عمل خواهند آورد؛ خصوصاً اینکه این مقوله فراتر از انجام وظیفه‌ای قانونی، امری است که از دل برمی‌خیزد. سلام و رحمت و برکت خداوند بر اساتید، معلمان، دانشجویان و دانش‌آموزان شهید جنگ تحصیلی سوم و درراس آنان رهبر حکیم و مربی عظیم‌الشان شهید‌امان اعلی‌الله مقامه الشریف که حق بزرگی بر شتاب چشمگیر دانش در کشور داشتند و سیاست از همه مربیان، معلمان و اساتید عرصه علم و دانش و دین و تربیک و خوشامد به تک‌تک دانش‌آموزان و دانشجویان خوش‌عاقبت ملت ایران و امید که با داعی بر یمن سرورمان (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) در دستیابی به قله‌های علم و ادب و پیشرفت، هر چه موفق‌تر باشند، ان‌شاءالله.

سیدمجتبی حسینی‌خامنه‌ای

۳۱ شهریور/۱۴۰۵



سیاست Politics

چهارشنبه/اول مهر ۱۴۰۵/ شماره ۶۴۵

چرا در جریان سفر رئیس‌جمهور به آمریکا، عده‌ای خواهان مذاکره او با ترامپ شده‌اند؟

سوابق سیاه واشنگتن و توهمات تسلیم‌طلبان



دشمن و القای این حس که تنها آنان هستند که زبان دشمن را می‌فهمند تلاش می‌کنند دوباره خود را به عنوان تنها راه نجات به مرکز تصمیم‌گیری‌ها برگردانند. در شرایطی که خون پاک رهبر انقلاب و کودکان بیگناه میناب و مردم لامرد و سیریک هنوز خشک شده، دم زدن از مذاکره و دیدار با قاتل، فراتر از یک اشتباه محاسباتی، نشان‌دهنده تسلیم‌طلبی محض است. درخواست برای دیدار در نیویورک، آن هم پس از عبور آمریکا از تمام خطوط قرمز اخلاقی و سیاسی، به معنای نادیده گرفتن خون شهدا و نقش آفرینی میدان و خیابان ارزیابی می‌شود. این جریان با تکرار الگوهای شکست‌خورده فتنه‌های ۷۸ و ۸۸، به دنبال القای این حس هستند که تنها راه خروج از بحران، سازش است! در صورتی که تاریخ ثابت کرده هزینه سازش به مراتب سنگین‌تر از مقاومت است. این رفتار، پالس ضعف به دشمن می‌فرستد. باید بدانیم دشمن آمریکایی و صهیونی فقط زبان قدرت را می‌فهمد، همین ولا غیر.

از سوی دیگر باید پرسید «چرا نباید به آمریکا به هیچ وجه اعتماد کرد؟» پاسخ: اعتماد به آمریکا، سمی مهلک است و دلایل آن امروز عینی‌تر از همیشه مشاهده می‌شود. آمریکا ثابت کرد، حتی در حین مذاکره، دست از ماشه بر نمی‌دارد. حملات نظامی به‌رغم گفت‌وگوها، نشان می‌دهد، میز مذاکره برای واشنگتن تنها پوششی برای ضربه زدن ناگهانی است. از این رو کشوری که دستش به خون‌عالی‌ترین مقام یک نظام و کودکان میناب و لامرد آلوده است، صلاحیت هیچ‌گونه پیمان‌نامه‌ای ندارد. نقض عهد‌های مکرر از برومات تا تفاهم اسلام‌آباد حاکی از آن است، امضای آمریکا فاقد هرگونه ارزش حقوقی و اخلاقی است.

هدف آمریکا تغییر رفتار نیست، نابودی هویت و اقتدار ایران است. اعتماد به چنین دشمنی، به مثابه سپردن امنیت کشور به دست گرس است. ترامپ با پیشنهاد دیدار، می‌خواهد جنگ روانی پیچیده را دنبال کند. او به دنبال آن است، خود را از قالب یک تروریست بین‌المللی که دستور ترور و جنگ می‌دهد، به «مرد صلح» معرفی کند تا فشار افکار عمومی جهانی علیه او کاهش یابد. ضمن آنکه هدف اصلی، تحریک جریان‌های غرب‌گرا در داخل ایران برای فشار به دولت و حاکمیت است تا نظام را دچار دو قطبی «مذاکره-جنگ» کند. به همین دلیل قالیباف اخیراً و پشت تریبون اعلام کرد، هم مذاکره می‌کنیم و هم می‌جنگیم.

ترامپ با بازی که اخیراً راه انداخته قصد دارد یک هدف را پیگیری کند؛ با سرگرم کردن ایران به مذاکره، مانع «انتقام سخت» و پیشرفت‌های دفاعی شود تا از آن طریق دست ایران را در میدان ببندد، بدون آنکه امتیازی در دیپلماسی ببندد. البته این دیدار هیچگاه صورت نمی‌گیرد. محمد حسین رنجبران، مشاور پیشین وزیر امور خارجه در صفحه شخصی خود در فضای مجازی نوشته بود: «با اطلاع عرض می‌کنم هیچ اتفاقی قرار نیست در نیویورک میان رئیس‌جمهور پرشکیان و ترامپ بیفتد. رئیس‌جمهور جانی آمریکا آرزوی دیدار با رئیس‌جمهور اسلامی ایران را به گور خواهد برد، هرکس واسطه دیدار شود، بدتر از ماگورن صایع خواهد شد.» بر همین اساس در فرجام سخن باید تاکید کرد، ترامپ به دنبال تسلیم بدون جنگ است. هرگونه چراغ سبز به او، نه تنها سایه جنگ را دور نمی‌کند، بلکه با نشان دادن ضعف، دشمن را برای ارتعاض بیشتر جری‌تر خواهد کرد. پاسخ ایران نه در نیویورک، بلکه در امتداد همان خطی است که دوالفقارها ترسیم کرده‌اند، ایستادگی مقتدرانه تا احقاق کامل حق ملت و انتقام خون شهیدان دردو جنگ تحمیلی اخیراً

وقتی امضای آقای پرشکیان و ترامپ پای یک تفاهم آمد، معنایش این است که منعی برای مذاکره بین پرشکیان و ترامپ هم وجود ندارد. اگر قرار بر این باشد که کشور از جنگ و فتنه دور شود، پرشکیان باید با هر کسی حتی با ترامپ مذاکره کند. دومین موضع‌گیری به نامه نامزد شکست خورده انتخابات سال ۸۸ به رئیس دولت وفاق ملی برمی‌گردد. مهدی کربوی که پس از انتخابات حاشیه‌ساز دهمین دوره بود، هم یک طرف مقابل به‌راحتی توافقات و تعهدات خود را زیر پا گذاشته است؛ همچنان تمایل دارد مسیر انحرافی‌اش را ادامه دهد در نامه‌اش آورده است: «سفر به مقر سازمان ملل فرصت بی‌بدلی است که ایشان (رئیس‌جمهور) باید از آن بهره گیرد و از تمدنی بگوید که ضمن جنگ بلدی، صلح را هنر می‌داند و به جهانیان نشان دهد ایران و مردم بزرگش طالب صلح و ثبات پایدار در منطقه هستند و در همین راستا با رئیس‌جمهور آمریکا، اگر شرایط فراهم برای گفت‌وگوهای سازنده و صلحی پایدار دیدار کند!»

کار به اینجا ختم نشد و یک روزنامه اصلاح طلب در یادداشتی به قلم علی آهنگر نوشت: «در دوره‌های قطع رابطه و افزایش تنش نیز کاتال‌های غیرمستقیم ارتباطی میان تهران و واشنگتن به‌طور کامل از میان نرفته است. اکنون پرسش اصلی این است که آیا حضور همزمان پرشکیان و ترامپ در نیویورک می‌تواند فرصتی برای آغاز دوباره گفت‌وگو میان دو کشور ایجاد کند یا در دگر به یکی از «دیدارهای از دست‌رفته در تاریخ روابط ایران و آمریکا تبدیل خواهد شد؟»

جبهه اصلاحات هم در موضع‌گیری که از سوی سخنگوی آن انجام شد، تصریح کرد: راه ایران از تشدید جنگ نمی‌گذرد، از دیپلماسی، مذاکره و بازکردن راه‌های تنفس برای کشور می‌گذرد. امروز برای تحقق یک تفاهم پایدار تلاش کرد و در صورت فراهم نبودن شرایط برای توافقی بزرگ‌تر، اجرای عملی تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را در دستور کار قرار داد. فرصت‌ها محدودند و نمی‌توان تصمیم‌های ضروری را به فردا موکول کرد؛ زیرا ممکن است فردا شرایط دشوارتر و هزینه‌ها سنگین‌تر باشد. جواد امام به صراحت خواهان دیدار دو رئیس‌جمهور (ترامپ و پرشکیان) نشد اما بر مذاکره‌ای تاکید کرد که دو پار توسط طرف مقابل نادیده گرفته نشد. حال باز باید به مذاکره با آمریکای ترامپ خوش بین بود؟!

آرزوی تسلیم‌طلبان

کلا پدیده تطهیر چهره دشمن توسط جریان‌های تسلیم‌طلب در بزنگاه‌های حساس تاریخی اتفاق تصادفی نیست، الگوی رفتاری تکرار شونده است که ریشه در عوامل روان‌شناختی، سیاسی و ساختاری دارد. جریان‌های تسلیم‌طلب معمولاً ظرفیت رویارویی با هزینه‌های مقاومت را ندارند. آنها «صلح» را نه به معنای برقراری عدالت و عزت، به معنای «نبود جنگ» می‌بینند. از این رو، هرگونه تنش را به جای تحلیل ریشه‌ای که ناشی از سیاست استکبار است، به سوء تفاهم یا اشتباه محاسباتی تقلیل می‌دهند. تطهیر دشمن برای آنها ابزاری است تا با ایجاد امید کاذب به صلح، جامعه را به سمت پذیرش امتیازات خفت‌بار سوق دهند. در بزنگاه‌های تاریخی، وقتی اقتدار میدان مانند قدرت موسکی و نظامی پیشروی می‌کند، نقش این جریان‌ها که تنها ابزارشان «دیپلماسی انتحاسی» است، کم‌رنگ می‌شود. آنها می‌دانند، در دنیای «قدرت بر قدرت»، جایگاه‌شان به حاشیه می‌رود. فلذا با تطهیر

ادعاهای مضحک و تهدید آمیز ترامپ در مجمع عمومی

هذیان‌های پیرمرد شکست خورده در نیویورک

از غرق کردن ناوگان ایران تا حرف‌های پوچ درباره نابودی اقتصاد و تورم ۳۰۰ درصدی

کنگره است.

رئیس‌جمهور آمریکا در ادامه، اقتصاد ایران را نابود شده توصیف کرد و مدعی شد تنها چیزی که باقی‌مانده، تورم بالای ۳۰۰ درصدی است که کشور را نابود می‌کند. این در حالی است که گزارش‌های متعدد نهادهای بین‌المللی و حتی برخی تحلیل‌های غربی، از تاب‌آوری اقتصاد ایران در برابر فشارهای حاکماتری و نتوء بخشی به شرکای تجاری سخن می‌گویند. ترامپ همچنین ادعا کرد پس از توافق آتش بس برای گفت‌وگوهای هسته‌ای، ایران همچنان به اقدامات علیه کشتی‌های غیرنظامی ادامه داده است. او سپس دوا راه پیش روی خود گذاشت، یا توافقی که اجازه دهد ایران یکی از بهترین کشورهای خاورمیانه یا حتی جهان شود، یا نابودی جمهوری اسلامی با سرعتی که فرصت واکنش ندهد. این دوگانه‌سازی آشکار، نه تنها با اصول منشور ملل متحد در تضاد است، بلکه نشان می‌دهد واشنگتن هنوز درگیر توهم قدرت مطلق است و از درک واقعیت بازدارندگی ایران عاجز مانده.

ترامپ در بخش دیگری از سخنانش، بدون ارائه هیچ سند معتبری، مدعی شد حکومت ایران همین امسال بیش از ۷۲ هزار نفر از شهروندان خود را صرفاً به خاطر اعتراض کشته است. این رقم گراف و متناقض با تمام گزارش‌های میدانی و بین‌المللی، بخشی از همان پروپاگاندا ی قدیمی است که سال‌هاست برای تهدید پیکر ایران به کار گرفته می‌شود. با هر همچنین از شورای عالی سیاست‌ها بر قطعنامه‌های علیه اقدامات ایران قدرانی کرد و مدعی شد حامیان آن بیشتر از هر قطعه‌نامه دیگری در تاریخ این شورا بوده است؛ ادعایی که با توجه به ترکیب شورای

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در سخنرانی خود در هشتادویکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد، باردیگر با ترکیبی از خودستایی افراطی، آمارهای ساختگی و تهدیدهای آشکار علیه جمهوری اسلامی ایران، تلاش کرد ناکامی‌های سیاست خارجی و واشنگتن را زیر لایه‌ای از لاف زنی پنهان کند. او در حالی که از قدرتمندترین ارشش جهان ورنده شدن آمریکا دم می‌زد، بخش قابل توجهی از وقت خود را به حملات پایه‌پایه علیه ایران اختصاص داد و حتی از گزینه نابودی جمهوری اسلامی سخن گفت؛ ادعاهایی که نه تنها با واقعیت‌های میدانی در تناقض است، بلکه نشان‌دهنده استیصال واشنگتن در برابر مقاومت ایران است.

ترامپ در بخشی از سخنانش که آشکارا رنگ و بوی انتخاباتی داشت، مدعی شد ایران با تولید موشک‌هایی با قابلیت رسیدن به اروپا، توانمندی‌های منطقه را تهدید کرده و حالا دیگر قلدر خاورمیانه نیست. او سپس با لعنی حماسی اما کاملاً بی‌اساس، از عملیاتی به نام خشم حماسی سخن گفت که طی آن همه کشتی‌های نیروی دریایی ایران را غرق کردیم، نیروی هوایی و رادارها را نابود کردیم، سام‌سیات پدافندی را از بین بردیم و قابلیت‌های تولید موشک و پهپاد را تقریباً نابود ساختیم. این ادعاها در حالی مطرح می‌شود که نه تنها هیچ شواهد مستقلی از وقوع چنین عملیات گسترده‌ای وجود ندارد، بلکه نیروی دریایی و توان دفاعی ایران همچنان به عنوان یکی از عوامل بازدارنده مهم در منطقه شناخته می‌شود. طرح چنین ادعاهایی در مجمع عمومی سازمان ملل، بیش از آنکه نشان‌دهنده قدرت باشد، بیانگر تلاش مذبوطانه برای ساختن روایت پیروزی در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای



اگر آمریکا تاسیسات نزدیک نظنرزا بزند، چه می‌شود؟

معادله کوه کلنگ – دیمونا



طی روزهای اخیر با توجه به تهدیدات مقامات کاخ سفید و تجمع نظامی T تسلیحاتی و لجستیکی آمریکایی‌ها در پایگاه‌های منطقه‌ای شان در غرب آسیا، احتمال حمله غافلگیرانه به تاسیسات کوه کلنگ افزایش یافته است. بدون تردید، در صورت بروز این حماقت، گزینه‌های واکنش ایران، فراتر از تصور و درک متجاوزین خواهد بود.

به گزارش «آگاه» دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا حدود سه ماه است که متمرکز بر تاسیسات کوه کلنگ واقع در استان اصفهان ایران شده است و ادعاهایی را درخصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران در این مکان مطرح می‌کند. از سوی دیگر، رافائیل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز که جاده صافکن تجاوزات آمریکا و اسرائیل به ایران محسوب می‌شود، اخیرا با ابهام و ترس از کوه کلنگ ایران حرف زده است؛ گویی در آن مکان، ایران در حال ساخت بمب اتم است. این شواهد و قرائن حاکی از آن است که دشمن آمریکایی در سرسودیا تجاوز به کوه کلنگ را می‌پروراند. همچنین روز گذشته خبر رسید که در حال حاضر بیش از ۲۵ فروند هواپیمای سوخت‌رسان آمریکایی در پایگاه هوایی العدید قطر مستقر هستند و این بزرگ‌ترین تجمع سوخت‌رسان‌های آمریکایی در قطر در هشت ماه گذشته است. بدون تردید، اگر کوه کلنگ با هر نقطه دیگر از ایران، هدف تجاوز آمریکا قرار گیرد، ایران شعله‌های جنگ را برخواهد افروخت و شاید این بار آتش جنگ از منطقه غرب آسیا نیز فراتر برود و فرامنطقه‌ای شود؛ همچنین احتمال دارد ایران، معادله کوه کلنگ– دیمونا را برقرار سازد؛ بدین معنا که در صورت حمله آمریکا به تاسیسات کوه کلنگ، تاسیسات دیمونای رژیم صهیونیستی توسط ایران هدف قرار گیرد.

گروسی؛ جاده صافکن حمله به کوه کلنگ

رافائیل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به تازگی در ادعایی بی‌اساس گفته که نشانه‌هایی از وجود فعالیت‌های هسته‌ای در کوه کلنگ ایران دیده می‌شود، اما اطلاعات تایید شده‌ای درباره ماهیت آنها وجود ندارد. این اظهارات گروسی از سوی تحلیلگران به منزله چراغ سبز نشان دادن به آمریکا برای حمله به کوه کلنگ تعبیر شده است. پیشتر نیز قبیل از تجاوزات آمریکا به اماکن هسته‌ای ایران، گروسی گرای این حملات را به آمریکایی‌ها داده بود. ترامپ نیز در ۱۳ شهریور تهدید کرد که ایالات متحده ممکن است به‌زودی تاسیسات کوه کلنگ در ایران را بمباران کند. در ۲۴ شهریور نیز رسانه‌های غربی مدعی شدند تصاویر جدید ماهواره‌ای نشان می‌دهد که ایران ورودی‌های تونل‌های تاسیسات مخفی کوه کلنگ در نزدیکی سایت غنی‌سازی اورانیوم نظنر را با ایجاد موانع عظیم خاکی مسدود کرده است. بر

اساس گزارش موسسه علوم و امنیت بین‌المللی، موسوم به ISIS، ایران در اواخر ژوئیه و اوایل اوت ۲۰۲۶ مجموعه‌ای از خاکریزها و موانع خاکی را در ورودی تونل‌های غربی این تاسیسات ایجاد کرده است. این موانع در تصاویر ماهواره‌ای گرفته شده در ۲۱ اوت به‌وضوح دیده می‌شوند و تا ۱۱ سپتامبر جاری نیز در محل باقی مانده‌اند.

ساخت‌وسازهای ایران در کوه کلنگ

طبق ادعای رسانه‌های غربی، گزارش‌هایی در اواخر ژوئیه منتشر شد مبنی بر اینکه ایران پس از جنگ ۱۲ روزه، سانتریفیوژها را به تاسیسات کوه کلنگ منتقل کرده است. همچنین این اقدام پس از تهدیدهای علنی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر حمله به کوه کلنگ صورت گرفت. این مکان یکی از مراکز اصلی باقی‌مانده برنامه هسته‌ای ایران به شمار می‌رود که در حملات قبلی آسیب ندیده است. کوه کلنگ تقریباً در دو کیلومتری جنوب تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم نظنر قرار دارد و شامل شبکه‌ای از تونل‌هاست که در عمق رشته‌کوهی از جنس گرانیت حفر شده‌اند. بنا بر ادعای رسانه‌های غربی، عمق و استحکامات این تاسیسات نگرانی‌هایی را در این باره ایجاد کرده است که تهران ممکن است در آینده از آن برای غنی‌سازی اورانیوم یا دیگر فعالیت‌های هسته‌ای نیز استفاده کند. به گفته پژوهشگران موسسه علوم و امنیت بین‌المللی، ایران قبلاً ورودی‌های شرقی این مجموعه را نیز با ریختن خاک مسدود کرده بود. با مسدود شدن مسیرهای منتهی به دو ورودی غربی، به نظر می‌رسد بر چهار ورودی این مجموعه دیگر امکان عبور خودروها را ندارند. این موسسه همچنین اعلام کرده است که ایران برای از سرگیری دسترسی زمینی به تاسیسات، ناچار خواهد بود موانع خاکی را بردارد. به گفته این موسسه، تا زمانی که این موانع در محل باقی بمانند، توانایی تهران برای انجام عملیات ساخت‌وساز یا سایر فعالیت‌ها در داخل این مجموعه به‌زیرزمینی به‌شدت محدود خواهد بود.

پاسخ جذاب ایران

اما در صورت حماقت آمریکا و حمله به کوه کلنگ، ایران مجموعه متنوع و جذابی از گزینه‌های بازداشت نتانیاها و بی‌وآ گالانت، وزیر جنگ پیشین اسرائیل را به اتهام دیمونای رژیم صهیونیستی را با خاک یکسان کنیم، شاید نیز سراغ زیرساخت‌های انرژی کشورک‌های حاشیه خلیج فارس و مردوران منطقه‌ای آمریکا برویم و آنها را برای همیشه به خاموشی و عصر حجر کشانیم. آمریکایی‌ها باید بدانند که بیرون‌داد، بازی با ایران، بازی با آتش است که کنترل آن از دست خودشان خارج خواهد شد، اگر اراده به تجاوز کنند، پاسخ ما می‌تواند از ضربه به مراکز هسته‌ای و پیشرفته صهیونیستی تا قلع کردن شبکه‌های ارتباطی و دیجیتال متحدان منطقه‌ای شان باشد؛ پاسخی که نه تنها آنها را به عقب، بلکه به دوران پیش از فناوری‌های مدرن بازمی‌گرداند. مهدی محمدی، مشاور رئیس مجلس در

امور اهربردی، در همین راستا در صفحه ایکس خود نوشت، از روزاول یک چیز روشن بوده: ترامپ شروع می‌کند اما ما تمام خواهیم کرد. نه در تهران، نه در تنگه هرمز نه در کوه کلنگ؛ پنجره خروجی وجود ندارد.

دیمونا را بنیم یا لیبون را؟!

یکی از اهداف احتمالی در پاسخ به حمله آمریکا به کوه کلنگ، تاسیسات اتمی دیمونا خواهد بود؛ تاسیساتی که هدف قرار دادنش برای موشک‌های نسل قدیمی‌تر ایرانی نیز آسان است. اما دیمونا یا همان مرکز تحقیقات هسته‌ای شیمون پرز واقع در صحرای نقب، تنها مرکز مربوط به برنامه هسته‌ای رژیم اشغالگر محسوب نمی‌شود. بر اساس اطلاعات منتشر شده دروب سایت Atomic Archive که از سه منبع فدراسیون دانشمندان آمریکا، مرکز مطالعات منع اشاعه و همچنین گزارش بنیاد کارنگی برای صلح بین‌الملل به دست آمده، اسرائیل به غیر از آرکتور دیمونا، حداقل ۶ تاسیسات اتمی بزرگ دیگر نیز دارد. یکی از این مراکز، مرکز لیبون Eliabun است که در شمال شرق اراضی اشغالی قرار دارد. این مرکز دومین مرکز نگهداری تسلیحات رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود. سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی اسرائیل در این تاسیسات نگهداری می‌شوند. سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی TNW در مقیاس و برد کوچک‌تری نسبت به تسلیحات استراتژیک هسته‌ای قرار دارند. بنابراین چنانچه آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها مجدداً علیه ایران مرتکب حماقت شوند، باید با مرکز فوق راهبردیشان یعنی لیبون، خدا حافظی کنند، چرا که این مرکز قطعاً شکار موشک‌های ایرانی خواهد شد.

عواقب حمله آمریکا به کوه کلنگ

سردار حسین مجبی، سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مصاحبه‌ای تاکید کرد، به سردمداران و هیات حاکمه آمریکا توصیه می‌کنم مواردی که قبلاً تجربه کرده و در آن تجربه شکست خورده‌اند را بار دیگر تکرار نکنند، چرا که آزموده را آزمودن خطاست. ترامپ عادت دارد دائماً تهدید کند و فراموش می‌کند که پیشتر نیز تهدیداتی مطرح کرده، اما نتوانسته‌اند آنها را عملیاتی کند و اکنون دوباره تهدیدات جدیدی را مطرح می‌کند. سردار مجبی بیان کرد، اگر آمریکا بخواهد به هر نقطه از ایران نه فقط کوه کلنگ و نه فقط مکانی که مورد تهدید قرار داده، حمله کند، ما با آمادگی کامل در مقابل حمله آمریکا می‌ایستیم و تجاری که آمریکا پیشتر از نوع مقابله ما کسب کرده و در واقع مانع رسیدن آمریکا به اهدافش شده، مجدداً برای آمریکا تکرار خواهد شد. سخنگوی سپاه تاکید کرد، ما برای هر سناریوی دشمن آمادگی داریم و دشمن در هر عرصه‌ای که بخواهد وارد عمل شود، قطعاً پاسخ دندان شکنی به دشمن خواهیم داد.

نتانیاها به سازمان ملل می‌رود!

فرش قرمز آمریکا برای قصاب کودکان

اختیار قانونی برای اجرای حکم بازداشت صادر شده از سوی دیوان کیفری بین‌المللی علیه نتانیاها را ندارد و این در اختیار دولت فدرال آمریکا است. دیوان کیفری بین‌المللی در نوامبر ۲۰۲۴ حکم بازداشت نتانیاها و بی‌وآ گالانت، وزیر جنگ پیشین اسرائیل را به اتهام ارتکاب جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت در غزه صادر کرده بود.

آمریکا، تامین‌کننده امنیت جنایتکاران جنگی

روزنامه گاردین انگلیس، چندی پیش در مطلبی نوشت که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا با تحریم مقام‌های دیوان کیفری بین‌المللی، تامین امنیت برای جنایتکاران جنگی آخرین قربانیان انتقام جویی ترامپ، رئیس دیوان کیفری بین‌المللی، توموکو ارشد دانشگاه ییل و مدیر اجرایی سابق دیده‌بان حقوق بشر با اشاره به اقدام ترامپ در تحریم دو مقام ارشد دیگر دیوان کیفری بین‌المللی نوشت، دولت آمریکا گام دیگری در چرخ صلیبی خود علیه این دیوان برداشته است. به نوشته این روزنامه انگلیسی، افزایش تعداد قضات تحریم شده دیوان که اکنون به ۱۳ نفر رسیده است، ماهیت غیرقانونی تلاش‌های دولت آمریکا را تغییر نمی‌دهد. گاردین افزود، ترامپ و نوچه او مارک رابینو، وزیر خارجه آمریکا می‌خواهند جهان را به مکانی امن برای جنایتکاران جنگی آمریکا و رژیم اسرائیل تبدیل کنند اما هیچ‌کس نباید به آنها اجازه چنین اقدامی را بدهد. آخرین قربانیان انتقام جویی ترامپ، رئیس دیوان کیفری بین‌المللی، نتانیاها، قاضی ارشد آن از کشورزاین و عبدالله سیه از اسرائیل، وکیل ارشد دادگاه کیفری بین‌المللی هستند که به نظر می‌رسد به دلیل نقشی که آنها در پیشبرد پیگرد قانونی مقامات رژیم اسرائیل داشته‌اند، انجام شده است. با این حال، قربانیان واقعی این تصمیمات و انتقام جویی‌های ترامپ، این افراد خاص نیستند، بلکه مردم در سراسر جهان هستند که به دادگاه به عنوان یکی از معهود راه‌های چاره علیه سیاستمدارانی بی‌وجدان که مرتکب جنایات گسترده مانند جنگیدن با هدف قراردادن غیرنظامیان می‌شوند، امید دارند. این رسانه انگلیسی در بخشی از گزارش خود آورده است؛ رابینو، وزیر خارجه آمریکا تحریم‌ها را با الفاظی‌های پرزرق و برقی درباره اینکه دیوان کیفری بین‌المللی حاکمیت آمریکا را تهدید می‌کند، جلوه داد. این ادعا تنها در صورتی درست است که آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها حق حاکمیتی برای ارتکاب جنایات جنگی در هر کجا که می‌خواهند داشته باشند. در این گزارش آمده است، برای ترامپ، موضوع صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی،



بشری آن را استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح جنگی و جنایت نسل‌کشی می‌دانند. از نوامبر ۲۰۲۳ تا آوریل ۲۰۲۴، شمال غزه بدون آب آشامیدنی ماند و هزاران نفر بر اثر کم‌آبی جانشان را از دست دادند. کمسیون سازمان ملل با استناد به کنوانسیون ۱۹۴۸ ناظر بر منع نسل‌کشی اعلام کرده رژیم اسرائیل به سرکردگی بنیامین نتانیاها چهار عمل مجرمانه را در غزه مرتکب شده است؛ کشتن عمدی ساکنین غزه، آسیب شدید جسمی و روانی به آنها، تحصیل شرایط زندگی نابودکننده و جلوگیری از تولد نسل جدید. اینها همان مصادیق آشکار نسل‌کشی‌اند که حقوق بین‌الملل تعریف کرده و سازمان ملل ناچار به اعتراف به آن شده است. اسناد سازمان ملل نشان می‌دهد غیرنظامیان در غزه آگاهانه توسط رژیم اسرائیل هدف قرار گرفتند، خانه‌ها، مدارس و پناهگاه‌هایی که باید امن باشند، به گورهای دسته جمعی تبدیل شدند.

انجمن بین‌المللی پژوهشگران نسل‌کشی که پیشروترین انجمن جهانی در زمینه نسل‌کشی است، اعلام کرده که سیاست‌ها و اقدامات رژیم اسرائیل تحت رهبری بنیامین نتانیاها در غزه با تعریف قانونی نسل‌کشی که در ماده دوم کنوانسیون ۱۹۴۸ سازمان ملل متحد در مورد پیشگیری و مجازات جرم نسل‌کشی آمده است، مطابقت دارد. در گزارش انجمن مربوط آمده است، از هفت اکتبر ۲۰۲۳، دولت اسرائیل مرتکب جنایات گسترده و سیستماتیک علیه بشریت، جنایات جنگی و نسل‌کشی، از جمله حملات کورگورانه علیه غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی، از قبیل بیمارستان‌ها، منازل مسکونی، ساختمان‌های تجاری و سایر تاسیسات و همچنین شکنجه و محرومیت از غذا و آب، شده است.

گفت‌وگوی «آگاه» بامزدا مرادعباسی، مدرس و پژوهشگر سینما (بخش نخست):

سینماگران ماندگار ما، زیست آمیخته با کتاب داشتند

دو جهش تاریخی سینمای ایران برشانه ادبیات شکل گرفت



نمایی از فیلم چکمه - محمدعلی طالبی

توانند دیدگاه‌های خود را درباره مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه – البته در لافاهای سنجیده، با روایتی ساختارمند و بیانی نمادین و گاه آمیخته به طنز– بازگو کنند. در این دوره باهم ادبیات در کنار سینما قرار گرفت؛ به‌ویژه از طریق جهان داستانی هوشنگ مرادی‌کرمانی.

سینمای کودک در اواخر دهه ۶۰ و سال‌های نخست دهه ۷۰ به نقطه عطفی در سینمای پس از انقلاب تبدیل شد و سینمای ایران را به جهان شنا‌سند. آثاری چون سریال و فیلم‌های «قصه‌های مجید» ساخته کورمیر پوراحمد، فیلم «خرمه» به کارگردانی ابراهیم فروزش که جوایز بین‌المللی متعددی از جمله جایزه لوکارنو را کسب کرد و فیلم «چکمه» محمدعلی طالبی بر اساس داستان مرادی‌کرمانی که در معتبرترین جشنواره‌های جهانی درخشید، همگی محصول همین پیوند بودند. موفقیت «چکمه» به همکاری مستمر طالبی و مرادی‌کرمانی در ساخت آثاری چون «تیک‌تاک»، «کیسه برنج» و بعدها ده‌دهه ۸۰ سریال «مثل ماه شب چهارده» انجامید.

بنابراین در تاریخ سینمای ما، دو جهش عمده و جریان‌ساز با تمام تفاوت‌های مضمونی و فرمی‌شان، یک نقطه اشتراک بنیادین داشته‌اند و آن نقطه اشتراک، حضور و تکیه بر ادبیات غنی معاصر بوده است. این روند از چهره‌های پیش از انقلاب مثل مهرجویی، تقوایی، بیضایی، کیمیایی و فرمان‌آرا تا فیلم‌سازان شاخص دهه‌های ۶۰ و ۷۰ مانند ابراهیم فروزش، محمدعلی طالبی، کورمیر پوراحمد، کامیوزیا پرتوی و غلامرضا رضانی ادامه یافت. ویژگی مشترک همه این سینماگران شاخص این بود که ادبیات را خوب می‌شناختند و با آن مانوس بودند.

■ **چرا این حضور مستمر نماند و جریان اقتباس ادامه پیدا نکرد؟ از سویی آثاری در بازار نشر داریم که سال‌ها تجدید چاپ می‌شوند و مخاطب گسترده دارند اما به محض ورود به فرآیند اقتباس سینمایی و دریافت پروانه ساخت، با ممیزی روبه‌رو و متوقف می‌شوند.**

در سینمای قبل از انقلاب، دگرگونی بنیادین فضای سیاسی و فرهنگی مسیر را تغییر داد. در سینمای کودک پس از انقلاب نیز این گسست قابل تحلیل است؛ از سال ۱۳۲۷ به بعد، با تغییراتی که در ساختار مدیریتی بنیاد سینمایی فارابی، وزارت ارشاد و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رخ داد، جهت‌گیری‌ها عوض شد و حمایت‌ها متوقف شد. رویکردی که می‌توانست پیشرفت بیشتری بیافریند، جای خود را به سیاست‌هایی داد که متأسفانه رو به رشد نبود. این امر موجب بی‌انگیزگی سینماگران شد و ارتباطی که میان نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان و سینماگران در حال تثبیت بود و می‌توانست به ادبیات بزرگسال نیز تسری یابد، از میان رفت.

اما درباره بحث ممیزی و موانع پیش روی اقتباس از زمان‌های موفق؛ این مسئله به موانع بینامتنی و فرامتنی بازمی‌گردد و چندان در حوزه تحلیل‌های آکادمیک سینمایی نمی‌گنجد. پرسشی است که متولیان فرهنگی چه‌ا‌همه و هراسی از حضور ادبیات جدی و مستقل در سینما دارند؟ چرا فیلم‌سازی که با وجود همه کاستی‌ها و بر اساس انگیزه و مطالعات فردی خود به سراغ یک اثر ادبی مطرح می‌رود، حمایت نمی‌شود و جلوی کارش گرفته می‌شود؟ نمونه بارز آن پروژه سریال «چشم‌هایش» به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا بر اساس رمان بزرگ علوی بود که در میانه مسیر جلوش گرفته شد. این موانع فرامتنی و تصمیم‌گیری‌های پشت درهای بسته، یکی از دلایلی است که فیلم‌ساز آگاه ترجیح می‌دهد برای رهایی از فرسایش و ممیزی، سراغ اقتباس نرود. مدیرانی که در این شوراها نه‌نشسته‌اند و رأی به توقف چنین آثاری داده‌اند، باید پاسخ دهند که علت این هراس از ادبیات چیست.

این روند در سینمای موج نو ادامه پیدا کرد؛ مهرجویی اقتباس را با «آقای هالو» بر اساس نمایشنامه علی نصیریان آغاز کرد و سپس با «پستی» بر اساس نمایشنامه ویتسک و «دایره مینا» – که به باور بسیاری بهترین فیلم قبل از انقلاب اوست – بر اساس داستان «اشغال‌دونی» از مجموعه «گورو گواره» از غلامحسین ساعدی پی گرفت. بهمن فرمان‌آرا از آثار هوشنگ گلشیری فیلم‌های شاخص «شازده احتجاب» و «سایه‌ها بلند باد» بر اساس داستان «معصوم اول» را ساخت. ناصر تقوایی فیلم «نقرین» را بر اساس داستان میکا والتری و سریال ماندگار «دایی جان ناپلئون» را بر اساس رمان ایرج پزشک‌زاد خلق کرد. این فیلم‌سازان در کنار جریان سینمای بدنه – که آن هم متناسب با کارکرد سرگرمی خود برای تماشاگر محترم بود– رویکردی هنری‌تر و زیبایی‌شناسانه را دنبال کردند که مخاطب را به تفکر وامی‌داشت و راه‌های تازه‌ای در برخورد با مناسبات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پیش رویش می‌گذاشت. رد پای ادبیات در تمام این دستاوردها پررنگ بود.

نقطه عطف دوم پس از انقلاب رخ داد. با تغییرات بنیادین پس از انقلاب، آن پیوند پیشین تا حدی گسسته شد اما گونه‌ای از سینما یعنی «سینمای کودک و نوجوان» شکل گرفت و مورد حمایت قرار گرفت. این فضا بستری فراهم آورد تا فیلم‌سازان و فیلم‌نامه‌نویسان

در آثار گریفت کاملاً مشهود است. دریافت دست به نوآوری‌هایی زد، دوربین را از حالت ایستار خارج کرد و به حرکت درآورد، نماها را از اکستریم لانگ‌شات به اکستریم کلوزآپ تغییر داد و اینها همه تأثیر ادبیات بود. گریفت باور داشت اگر ادبیات می‌تواند جزئیات چهره یک شخصیت را تشریح کند، چرا سینما نتواند؟ اگر در ادبیات می‌توانیم یک کش را با توصیف نویسنده از زوایای مختلف درک و تخیل کنیم، چرا سینما نتواند؟ چرا سینما فقط باید از یک نمای دور ثابت تهمه چیز را ثبت کند؟ چرا جایگاه دوربین تغییر نکند، به شخصیت‌ها نزدیک نشود و جزئیات لباس و چهره‌شان را مثل ادبیات بازنمایی نکند؟ این دستاوردها بعدها در تدوین سینمایی خود را نشان داد و پایه‌گذار زبان سینما شد.

علاوه بر جنبه‌های تکنیکی، شکل‌گیری ژانرهای مختلف نیز تحت تأثیر ادبیات بوده است. ژانرهای مثل ملودرام، وسترن، وحشت، گانگستری، جنایی، نوآر و بعدها تئونوار، ابتدا بر صفحات کاغذ شکل گرفتند، متولد شدند، مخاطب یافتند و سپس به پرده سینما راه پیدا کردند. به‌ویژه در ژانر وسترن که در غرب بسیار محبوب است و هنوز هم سر حال آثاری از آن تولید می‌شود، خشت اول در ادبیات گذاشته شد. با ژانر نوآر که در ایران هم طرفداران زیادی دارد، حاصل کار نویسندگان نشریه «بلیک‌مسک» بود؛ نویسندگانی که سعی کردند در ساختار رمان پلیسی کلاسیک – که در آثار آگاتا کریستی و آرتور کانن دویل جریان داشت – شالوده‌ه شکنی کنند. آنها معمار را از حالت کلاسیک و اشرافی خارج کردند، به ریشه‌های اجتماعی جنایت پرداختند، زبان محاوره‌ای و کوچه و بازار را به روایت تزریق کردند و آن را به ذائقه مخاطب نزدیک ساختند. این نوآوری‌ها در نشریه «بلیک‌مسک» به مرور گونه رمان کارآگاهی نوآر را پدید آورد و بعد با ورود به سینما به آثاری چون «شاهین مالت» اثر داشیل همت، «اقتباس از آثار ریموند چندر تبدیل شد. بنابر این ادبیات هم در پیشرفت‌های تکنیکی و هم در تحولات مضمونی و تشکیل ژانرهای سینمایی نقشی بنیادین داشته است.

■ **پیوند میان سینمای ایران و ادبیات در طول تاریخ سینما چگونه پیش رفت و در چه مقاطعی به ثمر نشست؟**

تاریخ سینمای ایران نشان داده است هر زمان این ارتباط به‌درستی شکل گرفته، به یک رویداد ماندگار منجر شده است. اگر سینمای ایران را بررسی کنیم، در دو برهه پیوند ادبیات و سینما دو نقطه عطف شاخص آفریده که سینما را به قبل و بعد از خود تقسیم کرده است؛

نخستین نقطه عطف، شکل‌گیری «موج نو» در دهه ۴۰ است که تا پیش از انقلاب ادامه می‌یابد. نشانه‌های اولیه این جریان با آثاری چون «حشت وآینه» ابراهیم گلستان، «خانه سیاه است» فروغ فرخزاد و «جنوب شهر» فرخ غفاری هویدا شد. این آثار نگاه متفاوتی تزریق کردند که در اواخر دهه ۴۰ با فیلم‌هایی چون «قیصر» مسعود کیمیایی، «گاو» داریوش مهرجویی و «آرامش» در حضور دیگران، ناصر تقوایی به جریان تبدیل شد. جالب اینکه از این سه فیلم شاخص، دو اثر اقتباسی است؛ مهرجویی «گاو» را بر اساس داستان «گاو» از مجموعه «عزاداران بیل» ساخت که البته از اتمسفر دیگر داستان‌های مجموعه نیز بهره برد و ناصر تقوایی «آرامش» در حضور دیگران، را از داستانی به همین نام از مجموعه «واهمه‌های بی‌نام‌ونشان» از غلامحسین ساعدی اقتباس کرد.

نکته مهم این بود که این آثار کاملاً به‌روز نبودند؛ یعنی تنها چند سال از انتشار این کتاب‌ها گذشته بود که فیلم‌ها ساخته شدند. این امر نشان می‌دهد فیلم‌ساز در فضای فرهنگی پویایی زیست می‌کرد که جامعه ادبی و سینمایی در آن یکدیگر را می‌شناختند. آثار هم را رصد می‌کردند و در جریان معاصر بودند، آثاری که وجه انضمامی، انتقادی و بازتابی از شرایط جامعه پیرامون‌شان داشت.

این روند در سینمای موج نو ادامه پیدا کرد؛ مهرجویی اقتباس را با «آقای هالو» بر اساس نمایشنامه علی نصیریان آغاز کرد و سپس با «پستی» بر اساس نمایشنامه ویتسک و «دایره مینا» – که به باور بسیاری بهترین فیلم قبل از انقلاب اوست – بر اساس داستان «اشغال‌دونی» از مجموعه «گورو گواره» از غلامحسین ساعدی پی گرفت. بهمن فرمان‌آرا از آثار هوشنگ گلشیری فیلم‌های شاخص «شازده احتجاب» و «سایه‌ها بلند باد» بر اساس داستان «معصوم اول» را ساخت. ناصر تقوایی فیلم «نقرین» را بر اساس داستان میکا والتری و سریال ماندگار «دایی جان ناپلئون» را بر اساس رمان ایرج پزشک‌زاد خلق کرد. این فیلم‌سازان در کنار جریان سینمای بدنه – که آن هم متناسب با کارکرد سرگرمی خود برای تماشاگر محترم بود– رویکردی هنری‌تر و زیبایی‌شناسانه را دنبال کردند که مخاطب را به تفکر وامی‌داشت و راه‌های تازه‌ای در برخورد با مناسبات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پیش رویش می‌گذاشت. رد پای ادبیات در تمام این دستاوردها پررنگ بود.

نقطه عطف دوم پس از انقلاب رخ داد. با تغییرات بنیادین پس از انقلاب، آن پیوند پیشین تا حدی گسسته شد اما گونه‌ای از سینما یعنی «سینمای کودک و نوجوان» شکل گرفت و مورد حمایت قرار گرفت. این فضا بستری فراهم آورد تا فیلم‌سازان و فیلم‌نامه‌نویسان

زهرا بن‌درا فکن، خبرنگار گروه فرهنگ: سینمای ایران در دهه‌های گذشته بیش از هر چیز با قدرت روایتگری و نقش آفرینی در شکل‌دهی به حافظه جمعی یک ملت شناخته می‌شد؛ دورانی که پرده نقره‌ای آینه‌دار زیست فرهنگی جامعه بود و آثار ماندگار ش – چه در جریان پیشگام موج نو و چه در سینمای امیل دهه‌های ۶۰ و ۷۰– از شخصیت‌پردازی‌های دقیق، زبان قوام‌یافته و پیوند عمیق با جامعه و متن‌های معتبر زمانه‌جان می‌گرفتند. فیلم‌های آن روزگار نه‌تنها به اعتبار ساختار منسجم خود در یادها ماندگار شدند، بلکه زبان و زیباشناسی یک دوره تاریخی را نمایندگی کردند؛ آثاری که پس از پایان نمایش در ذهن مخاطب ته‌نشین می‌شدند و فرهنگ عمومی را می‌بخشیدند.

اما امروز سمای این سینما دستخوش دگرگونی بنیادین شده است. به‌رغم پیشرفت‌های چشمگیر در امکانات فنی و توسعه زیرساخت‌ها، پرده سینما با نوعی تهی‌شدگی مضمونی و فقر در داستان پردازی امیل دست به گریبان است. غلبه الگوهای شتاب‌زده، اتکای افراطی به فرمول‌های تجاری مقطعی و گسست از پشتوانه‌های فکری، کارنامه سال‌های اخیر را از آن هویت پایدار دور ساخته است. اکنون سینمای ایران در نقطه‌ای ایستاده که بازخوانی سیستمی‌شده و ریشه‌یابی علل فاصله گرفتن از آن سنت غنی روایی، به ضرورتی

جدی در مطالعات فرهنگی و سینمایی ما بدل شده است. مرزا مراد عباسی، نویسنده، منتقد و پژوهشگر سینماست که سال‌ها با مطالعات تخصصی در حوزه اقتباس ادبی در سینمای ایران مشغول است؛ او با تألیف آثاری چون «واژه در قلاب» و «خاطره نگاری بر پرده جادو»، به کالبد شکافی پیوند ادبیات داستانی و پرده نقره‌ای پرداخته است. او در این گفت‌وگو با نگاهی ریشه‌شناسانه، ابتدا به خاستگاه تاریخی این پیوند در جهان اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که جریان سینما، حرکت دوربین و شکل‌گیری ژانرها اساساً وامدار ادبیات بوده‌اند.

مراد عباسی در مرور تاریخ سینمای ایران، دو نقطه عطف درخشان را بازمی‌شناسد؛ نخست، تولد «موج نو» در دهه ۴۰ با شاهکارهای اقتباسی مهرجویی، تقوایی و فرمان‌آرا بر پایه آثار نویسندگانی چون ساعدی و گلشیری و دوم، دوران پرفرغ سینمای کودک و نوجوان؛ پس از انقلاب که با محوریت قصه‌های هوشنگ مرادی‌کرمانی در جهان درخشید. او در ادامه آسیب‌شناسانه به دلایل توقف این پیوند می‌پردازد؛ از تغییر رویکردهای مدیریتی نهاد‌های سینمایی در اوایل دهه ۷۰ که بستر حمایت را خشکاند، تا موانع فرامتنی و هراس ناموجهی که همواره مانع حضور ادبیات مستقل و جدی در سینما شده است.

■ **اگر امروز کارنامه سینمای ایران را مرور کنیم، با فضایی روبه‌رو می‌شویم که گویی یک خلأ بسیار بزرگ در آن احساس می‌شود. در وهله نخست به این موضوع بپردازیم که این خلأ چقدر خطای دید است و چقدر واقعیت؟ سینمای ایران، تا چه میزان وامدار ادبیات است؟**

ابتدا لازم است به یک نکته توجه کنیم؛ اینکه سینمای ایران به سمت ادبیات چقدر گرایش داشته. این گرایش چقدر اثرگذار بوده و در شکل‌گیری جریان‌ها و گرایش‌های مختلف سینما چه نقشی ایفا کرده است. این مسئله در ابتدا امری فرهنگی است؛ یعنی بررسی اینکه سینماگران ما چقدر کتاب می‌خوانند و چقدر با کتاب مانوس هستند. همچنین مراکزی که عنوان فرهنگی و هنری را به یک می‌کنند، چقدر حواس‌شان بوده که برای صاحب‌نظران این دو حوزه، محافل و فرصت‌هایی فراهم آورند تا با یکدیگر حشرو نشر و گفت‌وگو داشته باشند و در جریان آثار یکدیگر قرار بگیرند؟

این عوامل است که در ابتدا باعث به وجود آمدن یک هم‌آوایی و هماهنگی میان هنر سینما و هنر ادبیات می‌شود که البته ادبیات هنری بسیار متقدم‌تر و قدیمی‌تر است. ما در کشورهای صاحب سبک در سینما می‌بینیم که ادبیات، حضوری بسیار پررنگ دارد؛ زیرا این مسائل فرهنگی ارتباطاً نقش خود را درست ایفا کرده‌اند و سینما و ادبیات با هم مانوس و هم‌رهنم، برای نمونه، غریب نیست اگر انتظار بیود فیلم‌سازی در جریان آثار ادبی کشورش باشد و مطالعه‌کند.

در همان سال‌های آغازین تاریخ سینما، اگر به کارهای دیوید گریفت نگاه بیندازیم، اقتباس در آنها بسیار پررنگ است؛ او از آثار چارلز دیکنز، گی دو موباسان و دیگران اقتباس کرد. این موضوع نه‌تنها رویکرد ادبی سینما را از همان روزهای نخست نشان می‌دهد، بلکه بیانگر آن است که بسیاری از نوآوری‌های تکنیکی و ساختاری سینما مرهون همین ارتباط میان سینما و ادبیات بوده است. همان‌طور که ادبیات از سینما تأثیر پذیرفت – به‌ویژه در ایجاز کلام و نگاه تصویری– سینما نیز در نوآوری‌هایش بسیار از ادبیات متأثر شد؛ امری که

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

روزنامه

۶۴۵

کاغذی

کتابفروشی در جنگ

چند روز پیش کتابفروشان شارجه کنفرانس سالانه‌شان را با حضور ۹۱۲ فعال صنعت کتاب از ۹۹ کشور، پرو پیمان تر از پارسال برگزار کردند. یکی از گفت‌وگوهای اصلی امسال به تجربه اداره کتابفروشی در شرایط جنگ اختصاص داشت. سخنران خارجی از تجربه‌هایی گفت که باید به آنها توجه داشت. این موارد به صورت فهرست‌وار عبارتند از: خرید ژئراتور و باتری برای ادامه کار هنگام قطع برق، نگهداری بخشی از موجودی کتاب در زیرزمین برای حفاظت در برابر حملات، توزیع کتاب‌های انبار میان کتابفروشی‌ها برای کاهش خطر نابودی یکجای موجودی، بازکردن فروشگاه حتی صبح بعد از حملات موشکی و پهبادی، تأثیرافتتاح کتابفروشی سه‌طبقه و ۱۵۰۰ مترمربعی در میانه جنگ، تبدیل کتابفروشی به محل اجتماع و حفظ زبان و فرهنگ مردم، برنامه برای گسترش شعب در شهرهای نزدیک‌تر به جبهه. در جنگ، کتابفروشی فقط کتاب نمی‌رساند، به حفظ زندگی عادی و روحیه مردم هم کمک می‌کند.

فواید ورزش در تقویت بینایی و سیستم ایمنی

ورزش مملو از مواد مغذی و آنتی‌اکسیدان‌هایی است که ممکن است از چشم، سیستم ایمنی و سلامت کلی بدن حمایت کنند. به گزارش کیولند کلینیک، ورزش ممکن است کوچک باشد، اما شهرت زیادی به دست آورده است. قرن‌هاست که از آن در طب سنتی استفاده می‌شود. در حالی که هیچ غذایی به تنهایی درمان‌کننده نیست، ورزش ترکیبی چشمگیر از ویتامین‌ها، مواد معدنی و ترکیبات گیاهی را ارائه می‌دهد که می‌تواند به عنوان بخشی از یک رژیم غذایی متعادل از سلامت حمایت کند.

میشل دود، متخصص تغذیه می‌گوید: «ورزش را می‌توان یک «ابر غذا» نامید. رژیم غذایی سالم به تنوع بستگی دارد و ورزش می‌تواند یک افزودنی خوش طعم و غنی از مواد مغذی به یک الگوی تغذیه سالم باشد.» وی در ادامه به برخی فواید ورزش برای سلامت اشاره می‌کند:

۱. **حفاظت از سلامت چشم:** یکی از مواد مغذی برجسته ورزش، زآگزانتین است. یک کاروتنوئید که به محافظت از شبکه‌که کمک می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که خوردن غذاهای سرشار از آگزانتین ممکن است به تقویت بینایی سالم با افزایش سن کمک کند.

۲. **تقویت سیستم ایمنی بدن:** یک سیستم ایمنی سالم به انواع مواد مغذی متکی است و ورزش چندین مورد از آنها را فراهم می‌کند. آنها منبع خوبی از ویتامین C و روی هستند که هر دو نقش مهمی در کمک به عملکرد صحیح سیستم ایمنی دارند.

۳. **تقویت سلامت و آرامش روان:** یک مطالعه کوچک نشان داد افرادی که برای مدت کوتاهی آب ورزش نوشیده بودند، بهبودهایی را در آرامش روان، انرژی و خلق و خوی کلی گزارش کردند. محققان همچنین به بهبود در معیارهای خاصی از عملکرد ذهنی اشاره کردند. اما از آنجایی که این مطالعات کوچک بودند به تحقیقات بیشتری نیاز است.

۴. **محافظت در برابر آسیب سلولی:** ورزش سرشار از آنتی‌اکسیدان است. آنتی‌اکسیدان‌ها ترکیباتی هستند که به محافظت از سلول‌ها در برابر آسیب‌های ناشی از مولکول‌های ناپایدار به نام رادیکال‌های آزاد کمک می‌کنند. دود تأکید می‌کند: «هیچ غذایی به تنهایی نمی‌تواند از بیماری جلوگیری کند. خوردن انواع میوه‌ها و سبزیجات رنگارنگ یکی از بهترین راه‌ها برای دریافت آنتی‌اکسیدان‌های مورد نیاز بدن است.»

رانندگی کاملاً خودران تسلا به‌زودی در جمهوری چک

شرکت تسلا به‌زودی قابلیت «رانندگی کاملاً خودکار تحت نظارت» (FSD Supervised) را در جمهوری چک عرضه می‌کند و وزارت حمل‌ونقل این کشور مجوز موقتی برای این سامانه کمک‌راننده صادر کرده است. براساس اعلام حساب رسمی «تسلا اروپا» در شبکه اجتماعی «ایکس»، با صدور مجوز موقت از سوی دولت جمهوری چک، قابلیت «رانندگی کاملاً خودکار تحت نظارت» (FSD Supervised) تسلا اکنون در هفتمین کشور اروپایی در دسترس قرار می‌گیرد.

سازمان حمل‌ونقل جمهوری چک اعلام کرد که تصمیم خود را برپایه مجوز موقت صادرشده درماه آوریل توسط نهاد نظارتی خودرو درهلند (RDW) اتخاذ کرده است. این سازمان توضیح داد که در ابتدا نگرانی‌هایی درباره نحوه واکنش FSD Supervised به چراغ‌های راهنمایی و محدودیت‌های سرعت و همچنین چگونگی اطمینان از حفظ توجه راننده و آمادگی وی برای دردتست گرفتن کنترل خودرو وجود داشت، اما پس از ماه‌ها از آزمایشی و بررسی تجربیات سایر کشورهایی که پیشتر از این قابلیت استفاده می‌کردند، جمهوری چک نیز به کشورهایی پیوست که نرم‌افزار تسلا را تأیید می‌کند.

تسلا در نهایت امیدوار است که دامنه فعالیت FSD Supervised را در سراسر اتحادیه اروپا گسترش دهد، اما برای این کار نیازمند جلب حمایت دست کم ۱۵ کشور از ۲۷ کشور عضو در جریان رای‌گیری احتمالی است که ممکن است در ماه اکتبر برگزار شود.

آب و هوا



هشدار نارنجی برای سواحل دریای خزر

سازمان هواشناسی کشور برای سواحل دریای خزر هشدار سطح نارنجی صادر کرد.

بررسی نقشه‌ها و مدل‌های هواشناسی نشان می‌دهد طی سه روز آینده در اکثر مناطق کشور جو آرام همراه با افزایش نسبی دما روی می‌دهد. طی این مدت در شرق، جنوب شرق و مرکز کشور وزش باد پدیده حاکم است. وزوهای جمعه و شنبه هفته آینده در برخی مناطق آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل، گیلان و مازندران ایرناکی، بارش پراننده، گاهی ماعقه و وزش باد همراه با کاهش نسبی دما روی می‌دهد. طی سه روز آینده غرب خلیج فارس و دریای عمان موج و متلاطم است.

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر **مدیرمسئول:** محمد مهدی رحمتی **سردبیر:** امیر اسماعیلی **دبیر تحریریه:** رضا ظریفی **مدیر داخلی:** عماد خورشیدطلب **دبیران گروه‌ها:** هادی رضایی **سیاست** | **سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه** **مجتبی** مشهدی **محمد فرهنگ**



					
	خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان این سینا				
	۰۲۱-۹۴۰۰۴۷۱۶ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۱۳				
	www.Agaah.ir	 m@agaah.ir			agaah_ir
	نیمه‌شب شنبه	۱۸:۲۰	۱۱:۵۷	۰۴:۲۸	
	۲۳:۱۵	۱۴۴۸	۲۳ سپتامبر ۲۰۲۶	اول مهر ماه ۱۴۰۵	چهارشنبه



اجرای نمایش «دختری که خواب را نوشید» درمشهد

نمایش «دختری که خواب را نوشید» به نویسندگی سیدجواد رحیم‌زاده و کارگردانی محمد جهان‌پا، روایتی سوررئال از حادثهٔ مدرسه «شجره طیبه» میناب و شهادت ۱۶۸ دانش آموز این مدرسه است که از ۲۲ شهریور در تماشاخانه استاد نوری حوزه هنری مشهد روی صحنه رفته و هر شب ساعت ۱۹:۳۰ در شهرپور و مهر اجرا می‌شود.

عکس:امیرمهدی اسدی /مهر

محققان زیر دریا مزرعه خورشیدی ساختند

می‌شود. پژوهشگران برای برطرف کردن این موضوع PHMG را به عنوان یک افزودنی کریستالیزه کردن، اضافه کردند تا سلول‌های خورشیدی در آب دریا با ثبات‌تر شوند.

ژانگ ون هو از دانشگاه یونان در این باره می‌گوید: سلول‌های خورشیدی زیر آبی پیشین روی آب‌های بسیار کم عمق دو متری یا کمتر متمرکز بودند که برای کاربردهای واقعی کارآمد نیست. این تحقیق نشان دهنده ناخوشن اعتبارسنجی عملکردی سلول‌های خورشیدی غوطه‌ور را ارائه می‌دهد که عملاً در عمق آب تا حدود ۱۰ متر کار می‌کنند.

تست‌های آزمایشگاهی که نور خورشید در عمق ۱۰ متر شبیه‌سازی شده بود، یک سلول خورشیدی کوچک ۰.۰۸۹۵ سانتیمتر مربعی به کارآمدی ۳۴.۷۱ درصد رسید. یک مازول بزرگ‌تر انتقال نیرو ۲۸.۷۹ سانتیمترمربع کارآمدی انتقال نیرو ۲۹.۴ درصدی ثبت کرد که نشان می‌دهد حتی نور ضعیف را نیز می‌توان به طور کارآمد استفاده کرد.



خورشید نفوذ می‌کند. نور سرخ نیز که سلول‌های سیلیکونی در آن بهترین عملکرد را دارند، به طور کامل جذب می‌شوند.

محققان سلول‌های خورشیدی پروسکایت هالید سرب با شکاف باند وسیع حدود ۱.۹۶ الکترون‌ولت را انتخاب کردند که با نور آبی-سبز زیرآب مطابقت دارد. پروسکایت را می‌توان تنظیم و در نور کم، بهتر کار کرد. اما در آب دریا این ماده به دلیل خوردگی، فشار، مشکلات بسته‌بندی و نشست احتمالی سرب، بی‌ثبات

چگونه اضطراب روز اول مهر را برای کلاس اولی‌ها کم کنیم؟ جدایی فرزندان از «امن‌ترین پناهگاه»

مهم‌ترین اولویت، مهارت‌های سرویس بهداشتی است. کودک با رشد معمولی باید بتواند زمان نیاز به توالت را تشخیص دهد، درخواست کند، لباسش را مدیریت کند و نظافت شخصی را رعایت کند. اهمیت این مورد تنها نظافت نیست، بلکه مسئله حریم شخصی است. اگر کودک نتواند مستقل باشد و مجبور به کمک گرفتن از دیگران شود، این مسئله می‌تواند باعث شرم، نقض حریم خصوصی و حتی تحقیر او شود. اولویت دوم، توانایی کودک در مستقل خوردن و آشامیدن است. کودک باید بتواند از پس با ز بسته کردن ظرف غذا، ققمقه و تغذات خود بربیاید. هدف این است که کودک دچار درماندگی نشود و یاد بگیرد در مواردی که ناتوان است، از بزرگ‌ترها کمک بخواند. اولویت سوم، مدیریت وسایل شخصی است. کودک باید بتواند از لوازم متعلق به خود استفاده کند، مثلاً لباسش را آویزان کند، مدام، پاک‌کن ودفترش را بیرون بیاورد، استفاده کند و دوباره نشان سر جای خود قرار دهد.

سعیدی با تأکید بر اینکه کودک باید کار کردن با زیپ و دکمه را بلد باشد و بتواند لباس‌های ساده مانند کاپشن یا یونیفرم را بپوشد، به والدین توصیه کرد: در سال اول مدرسه اگر کودک هنوز توانایی بستن بند کفش را ندارد، کفش‌های چسبی یا زیپ‌دار برای کودک تهیه کنند اما در کنار آن باید مهارت بستن بند کفش را به فرزند خود آموزش دهند.

این روانشناس با تأکید بر نقش والدین و مربیان در کمک کردن به کودکان برای کاهش اضطراب جدایی با کارهایی نظیر بازی کردن، گفت: تنظیم هیجان یکی از پایه‌های اصلی سازگاری با مدرسه است. ابتدا فرار نیست کودک پیش دستانی هیچ اضطرابی را تجربه نکند، چرا که از نظر فیزیولوژی، شروع مدرسه و جدایی طولانی مدت از مکان امن خانه، هورمون‌های استرس را بالا می‌برد و گریه یا چسبیدن به والدین در هفته‌های اول طبیعی است. هدف ما حذف احساس ناراحتی نیست، بلکه آموزش بیابود، استفاده کند و بیان احساسات و مدیریت ناگامی‌ها به کودک است. کودک باید یاد بگیرد هیجاناتش را نام‌گذاری و درباره آنها صحبت کند که در این سن، گفت‌وگو، داستان‌خوانی و بازی بسیار کمک‌کننده است.

این روانشناس در خاتمه بر این نکته نیز تأکید کرد که اگر کودک با وجود آموزش، بعد از خدا حافظی همچنان بی‌قرار بود، نباید او را مجبور کرد که سریع وارد جمع شود. توصیه می‌کنم در کلاس یک گوشه دنج و آرام وجود داشته باشد البته نه برای تنبیه، برای اینکه کودک هروقت حس کرد حالش خوب نیست پناه ببرد آنجا و آرام شود. مربی هم می‌تواند با استفاده از کارت‌های احساسات یا عروسک‌هایی که کودک به آنها علاقه دارد به او حس امنیت بدهد. وقتی کودک ببیند حامی دارد و امنیتش تأمین است، کم‌کم ترسش می‌بیزد، هیجاناتش را مدیریت می‌کند و با میل خودش وارد بازی و فعالیت‌های کلاسی می‌شود.



چهارشنبه

اول مهر ماه ۱۴۰۵

۱۱ ربیع الثانی ۱۴۴۸ | ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۶

اذان صبح	۰۴:۲۸
اذان ظهر	۱۱:۵۷
اذان مغرب	۱۸:۲۰
نیمه‌شب شنبه	۲۳:۱۵

#تجربه_کردم



رفیق جان!...

در آن لحظه» زندگی کن!... هی به گذشته نرو!... به آینده هم! اگه اهل کردار و «عمل»ی، مدام نخواه که این رو به دیگران یاد بدی!... مردم، با شرایط عادی زندگی‌شون راحت‌ترن... اگه اصرار کنی، ممکنه بزبن لهت کن!... همه نمی‌خوان «بشنون»... همه شنونده‌ها، نمی‌خوان «عمل» کنن... همه عمل‌کننده‌ها، اهل پایمردی در عمل و پرهیز از شک نیستن... خود را باش رفیق، بیش از دگربران!

سیدمحمد سادات‌اخوی /نشرینده

میوه‌های خوب برای دیابتی‌ها

برخلاف تصور رایج، افراد مبتلا به دیابت مجبور نیستند میوه را از رژیم غذایی خود حذف کنند، اما انتخاب نوع میوه، شکل مصرف و اندازه سهم اهمیت زیادی دارد. انجمن دیابت آمریکا (ADA) توصیه می‌کند افراد مبتلا به دیابت، میوه‌های کامل را در برنامه غذایی خود بگنجانند و تا حد امکان سراغ انواع بدون شکر افزوده بروند. بر اساس توصیه ADA، توت‌فرنگی، بلوبری، تمشک و سایر انواع توت‌ها گزینه‌های مناسبی برای افراد مبتلا به دیابت هستند، چراکه علاوه بر فیبر، حاوی آنتی‌اکسیدان‌ها و ویتامین‌های مختلف اند. پرتقال، گریپ‌فروت، لیمو و سایر مرکبات نیز به دلیل داشتن فیبر، ویتامین C، فولات و پتاسیم در این گروه قرار می‌گیرند.

سیب، گلابی، هلو، آلو و گilas نیز می‌توانند در یک برنامه غذایی مناسب دیابت مصرف شوند، نکته مهم این است که میوه کامل به آیموه ترجیح داده شود؛ زیرا مصرف میوه کامل فیبر بیشتری در اختیار بدن قرار می‌دهد.

آبمیوه و میوه خشک را محدود کنید

انجمن دیابت آمریکا تأکید می‌کند که آبمیوه و میوه خشک اگرچه می‌توانند مواد مغذی داشته باشند، اما باید در مقدار کمتری مصرف شوند. برای نمونه، مقدار کربوهیدرات موجود در میوه خشک در حجم کمی متمرکز می‌شود و کنترل سهم مصرفی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در نهایت، برای افراد مبتلا به دیابت «میوه ممنوعه» به معنای مطلق وجود ندارد، بلکه مقدار مصرف و جایگاه آن در برنامه غذایی فرد اهمیت دارد. استانداردهای مراقبت از دیابت در سال ۲۰۲۶ نیز بر مصرف میوه کامل و تنظیم برنامه غذایی متناسب با نیازهای هر فرد تأکید دارند.

منبع: diabetes



گوگل بوک با قابلیت‌های اندروید و جیمینای، آماده بازار شد

گوگل بوک پی‌سی همراه ویژگی‌های اندروید و جیمینای در کنار پشتیبانی برای ۱۰ سال به‌روزرسانی می‌شود.

به نقل از گیزموچاین، پلتفرم آپ‌تاپ مبتنی بر اندروید گوگل بالاخره در حال بازگری است. چهار ماه پس از آنکه گوگل یک جایگزین اندروید محور برای کروم بوک را تأیید کرد و چند روز پس از افزایش رندهای لنوو، این شرکت و پنج شریک سخت‌افزاری این پیش سفارش نخستین گوگ بوک‌ها را افتتاح کردند. اکنون این دستگاه‌ها قابل سفارش هستند و فروش از چهارم اکتبر آغاز می‌شود. ایسرس، ایسوس، دل، اچ‌پی و لنوو هر کدام یک مدل گوگل بوک ارائه کرده‌اند که قیمت آنها از ۸۹۹ تا ۱۲۹۹ دلار است. این سری شامل هر چیزی از یک دستگاه دو در یک تا آپ‌تاپ ۱۵.۳ اینچی است و خریداران چند گزینه سخت افزایش در اختیار دارند. هر گوگل بوک مجهز به حق اشتراک ۱۲ ماهه «گوگل ای‌آی پرو» و پنج رابایت حافظه ذخیره ابر است. خریداران از سه ماهه حق اشتراک پریموم یوتیوب، فتوشاپ و کپ‌کات بهره می‌برند. گوگل مدعی است گوگل بوک ها سیستم‌ها تا ۱۰ سال به روزرسانی دریافت می‌کنند. ایسر گوگل بوک ۱۴ تنها دستگاه دو در یک در این سری است که قیمت آن از ۸۹۹ دلار آغاز می‌شود. ایسر هم اکنون هشدار داده قیمت دستگاه‌ها اگر کمبود حافظه به افزایش قیمت قطعات منجر شود، افزایش خواهند یافت. این شرکت یک دستگاه به نامیشگر ۱۴ اینچی با قابلیت تاج اسکرین او ال ای دی، تراشه اینتل کوراولترا ۵ یا اولترا ۷ و ۱۶ ساعت عمر باتری است. گوگل بوک ۱۴ ایسوس ۱۲۹۹ دلار قیمت‌گذاری شده و فقط یک کیلوگرم وزن دارد.



کدام ورزش عمر بیماران مبتلا به سرطان را افزایش می‌دهد؟

نتایج پژوهش جدید نشان داد ورزش منظم و برنامه‌ریزی شده ممکن است به افزایش طول عمر بیماران مبتلا به سرطان و کاهش خطر بازگشت بیماری کمک کند.

در حال حاضر ورزش برای کمک به افراد مبتلا به سرطان در مدیریت خستگی و بهبود کیفیت زندگی آنان توصیه می‌شود و شواهد جدید نشان داد که فواید آن ممکن است فراتر از این موارد باشد. پژوهشگران نتایج ۲۱ کارآزمایی بالینی شامل بیش از ۸۴۰۰ بیمار مبتلا به سرطان را تحلیل کردند. در برخی از این پژوهش‌ها، بیماران در برنامه‌های ورزشی تحت نظارت ورزش‌هوازی، تمرینات قدرتی یا ترکیبی از هر دو شرکت کردند و گروه دیگری از بیماران چنین برنامه‌ای نداشتند. در طول دوره پیگیری که به‌طور میانگین حدود پنج سال بود، احتمال مرگ در بیماران که ورزش می‌کردند ۲۳ درصد کمتر بود. همچنین احتمال بازگشت سرطان پیش از مرگ در این افراد ۱۷ درصد کمتر گزارش شد. این مزایا در بیماران مبتلا به سرطان در مراحل اولیه، افرادی که ورزش‌هوازی انجام می‌دادند و بیمارانی که دست‌کم ۷۰ درصد برنامه ورزشی خود را کامل کرده بودند، بیشتر مشاهده شد. پژوهشگران معتقدند ورزش ممکن است با تقویت عملکرد سیستم ایمنی به مقابله با سرطان کمک کند. همچنین افزایش جریان خون در تومورها می‌تواند اثربخشی درمان‌های سرطان را افزایش دهد. با این حال، بیشتر شواهد این بررسی از پژوهش‌های مربوط به سرطان سینه به دست آمده و برنامه‌های ورزشی مورد استفاده نیز تفاوت زیادی با یکدیگر داشتند. بنابراین، برای تعیین نوع، شدت و میزان مناسب ورزش برای بیماران مبتلا به سرطان به پژوهش‌های بیشتری نیاز است. سایت مدیکال گزارش کرد، با وجود این محدودیت‌ها، پژوهشگران می‌گویند پزشکان می‌توانند ورزش برنامه‌ریزی‌شده را به عنوان بخشی از مراقبت‌های مربوط به سرطان توصیه کنند.